

اقتصاد مقاومتی ضرورت تحقق عدالت اجتماعی از منظر مدیریت اسلامی

فریناز صناعی^۱

طهمورث سهرابی^۲

چکیده

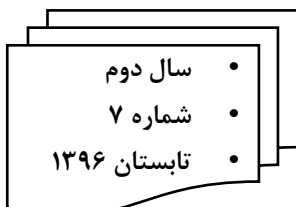
جامعه اسلامی باید همواره به سوی تعالی و پیشرفت گام بردارد و در نقطه اوج باشد؛ بنابراین از محورهای جدی و مهم در رسیدن به این هدف، اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد هم اثرگذار و هم اثرپذیر از فرهنگ است. اقتصاد یکی از اثرگذارترین ابعاد زندگی بشر است که می‌تواند سبک زندگی انسان را دستخوش تحولات مثبت و منفی کند. از این رو اصلاح نگرش‌های اقتصادی و در پیش گرفتن سبکی درست از تعاملات مالی، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات انسان مانند از بین رفتن تبعیض‌ها و ناعدالتی‌های اجتماعی باشد. اولین مؤلفه، ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی است. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص فرمودند: با اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی بوجود خواهد آمد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص این مؤلفه تأکید کردند: عدالت اجتماعی، مهمترین شاخص، در میان این شاخص‌ها است زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد. حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: سیاستهای اقتصاد مقاومتی، فقط برای شرایط کنونی نیست بلکه یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی به آن تصریح شده است استقرار عدالت اجتماعی در جامعه است. عدالت اجتماعی که به نحوی در رأس اهداف همه حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی می‌باشد، واژه‌ای وسیع و گسترده بوده و جنبه‌های مختلف و ابعاد گوناگون دارد. در این مقاله با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر تحقق اقتصاد مقاومتی، به دنبال بررسی نقش آن در برقراری عدالت اجتماعی هستیم.

کلیدواژگان: اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی، مدیریت اسلامی، رهبر معظم انقلاب (مدظله)

^۱. دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، مدرس دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، ایران، تهران،

daryanaz2000@gmail.com

^۲. استادیار، عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ایران، تهران، dr.tsohrabi@gmail.com



۱. مقدمه

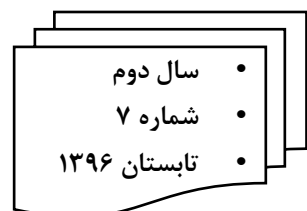
توجه و تلاش در جهت عدالت اجتماعی یک وظیفه اخلاقی دینی و حکومتی است و گامی در تقویت امنیت ملی محسوب می شود. چرا که فقر و بی عدالتی نارضایتی عمومی را در پی داشته و تهدیدی جدی برای امنیت ملی و تداوم برنامه ها خواهد بود.

عدالت اجتماعی و توزیع متعادل درآمد از موضوعاتی است که همواره مورد توجه جوامع و حکومت ها بوده است و یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی ایران بوده است. به عبارتی دیگر می توان گفت این موضوع در کشورما در سالهای دوران انقلاب به عنوان یک هدف اساسی مطرح بوده است. مطالعه تأثیرات واقعی سیاست های کلان توزیع درآمد در کاهش فاصله طبقاتی در جامعه و افزایش سطح زندگی طبقات پایین اجتماعی به عنوان رویکردی جدید و اساسی در برنامه ریزی کلان اقتصادی مورد توجه رهبران جوامع قرار گرفته است. چرا که بی توجهی به این موضوع توسط برنامه ریزان و عدم اتخاذ سیاست های مناسب موجب افزایش فاصله طبقاتی شده است که پیامد آن نارضایتی های اجتماعی خواهد بود. لکن یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور و رسیدن به اهداف بلند اقتصادی نظام اسلامی است.

اگر اقتصاد ما به نظام ها و نیروهای بیرونی وابسته باشد، موازین ما هم تحت خواست های دیگران قرار می گیرد و چون نظام سلطه بر بی عدالتی استوار است، نظام ما هم از آن اهرمها تأثیر گرفته و در مسیر بی عدالتی پیش می رود. اما اگر بر نیروهای خودی تکیه کنیم و نظام اقتصادی را بر اساس آموزه های دینی شکل دهیم، عدالت اجتماعی به بهترین شکل محقق می شود. چنانکه به تصریح قرآن از رسالت های مهم انبیا، «راهبری مردم برای اقامه قسط و عدالت» است. به عبارت بهتر، اجرای عدالت رسالت همه انبیا بوده و اگر اقتصاد مقاومتی با اتکا بر فرهنگ و آموزه های دینی محقق شود، عدالت هم به شکل مطلوب در جامعه پیاده می شود.

بنابراین اگر به این فرهنگ غنی باور داشته باشیم و راه حل معضلات و مشکلات را نهادینه سازی فرهنگ اسلامی بدانیم، باید در حوزه اقتصاد هم فرهنگ دینی را حاکم کنیم و با تحقق اقتصاد مقاومتی، عدالت به شکل مطلوب آن اجرا می شود

مفهوم عدالت و موضوعاتی که به این مقوله نزدیک است در همه دوره های زمانی یکی از موضوعات مهم مدنظر سیاستگذاران حکومتی بوده است و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کنون تمام دولت های پس از انقلاب با هر زمینه فکری و سیاسی بر تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید ویژه داشته اند و برای نیل به این مهم هزینه های گزافی را متحمل شده اند. فلسفه وجودی پیدایش چنین مفهومی، بهم خوردن توازن اجتماع بخاطر منفعت طلبی عده معدودی از انسانها بوده است که مصلحین را بر آن داشته است تا برای رفع آن به دنبال راه حلهایی باشند که تحقق عدالت یکی از آنهاست. چند سالی است که رهبر معظم انقلاب رویکرد کلان کشور را حرکت در مسیر پیشرفت و عدالت عنوان کرده اند. پیشرفت که میتوان آن را نسخه ی اصلاح شده توسعه با حفظ ارزشها و مطلوبیتهای فرهنگی این ملت دانست، فرایندی است که در آن جامعه از یک دورهی



تاریخی به دوره ی جدیدی منتقل میشود و در هر مرحله از رشد خویش، ابعاد مختلف زندگی را متحول میسازد. در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریمهای یک جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران، واژه جدید اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. در این مقاله با توجه به تاکید مقام معظم رهبری بر تحقق اقتصاد مقاومتی، به دنبال تبیین نقش آن در برقراری عدالت اجتماعی هستیم.

۲- مبانی نظری

۲,۱. معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

عدل در لغت در معانی متعددی مانند مساوات و برابری، راستی و راست ایستادن، نظیر، همتا و معادل، کیل و پیمان، میانه روی و رعایت حد وسط، دادگری و حکم به حق و انصاف، شخص، قول یا حکمی که مورد رضایت و خشنودی مردم واقع شود، ضد جور استعمال شده است. و عدالت صفتی است که مراعات آن باعث دوری از کارهایی می شود که به جوانمردی آسیب می رسانند. عدالت، یکی از کهن ترین مفاهیمی است که بشر با آن آشناست. قرآن کریم عدالت را یکی از مقاصد میانی بعثت رسل، انزال کتب و تشریح شرایع، قلمداد کرده و به اجرای آن فرمان داده است: **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۱).**

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. مساوات، ضدیت با جور، عدم افراط و تفریط از مهمترین معانی لغوی عدالت است. کوتاه ترین و کامل ترین تعریف از آن امام علی (ع) است که در حکمت ۴۳۷ می فرماید: «عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است، پس عدالت شریف تر و برتر است (۲).

۲,۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یعنی طراحی و اجرای نظام حقوقی به گونه ای که هر کس به حق عقلانی اش برسد و در مقابل آن حقوق، وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و عواقب تخلف از آن را بپذیرد (۳).

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از

موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (۴).

به طور کلی عدالت یک امر ذهنی است و هر فرد باید از حق دستیابی به نیازهای اساسی حیاتی بهره‌مند باشد. غالباً در برابر عدالت اجتماعی، بی‌عدالتی قرار می‌گیرد که دارای پنج خصیصه به شرح زیر است:

۱. بهره‌کشی گروهی از گروه دیگر

۲. حاشیه‌ای شدن (طرد گروهی معین مانند معلولین، زنان و...)

۳. فقدان قدرت در گروهی از مردم

۴. سلطه فرهنگی گروهی بر گروه دیگر

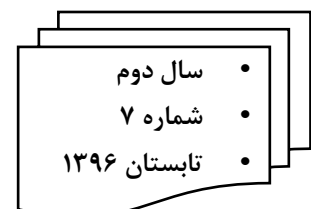
۵. اعمال خشونت (۵).

اهمیت عدالت اجتماعی در لسان قرآن کریم به اندازه ای است که پر تکرار ترین آیات از معانی «عدل» در موضوع عدالت اجتماعی است. استاد مطهری درباره تکرار معنای عدالت اجتماعی در قرآن کریم می نویسد: «بیشترین آیات مربوط به عدل، درباره عدل جمعی و گروهی است، اعم از خانوادگی، سیاسی، قضایی، اجتماعی. تا آنجا که بنده به دست آورده ام، تقریباً حدود ۱۶ آیه در این زمینه است.»

۲,۳ دیدگاه‌های عمده در مورد عدالت اجتماعی

۱- دیدگاه آنارشسیسم: معروف‌ترین چهره این مکتب، پیتر کروپتین، معتقد بود که زندگی مطلوب انسانی تنها با عدالت اجتماعی، تعاون و مهربانی میان مردم امکان‌پذیر است و بدون مساوات، عدالت وجود ندارد و بدون عدالت صلحی وجود نخواهد داشت (۶).

۲- دیدگاه لیبرالیسم: از معروف‌ترین چهره‌های این مکتب، جان رالز است (۷). جوهر اندیشه رالز "عدالت به‌عنوان انصاف" است. وی در پرتو مفهوم اخلاقی عدالت، جامعه مطلوب خود را بر پایه دو اصل تصویر می‌کند: اصل نخست از آزادی‌های برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر بر این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابری‌های اجتناب‌ناپذیر، موجه و عادلانه است (۸). به طور کلی پیروان مکتب لیبرالیسم به عدالت اجتماعی بیشتر به‌عنوان وسیله‌ای برای "حفظ وضع موجود" می‌نگرند و نه به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و یک وظیفه انسانی. همچنین توجه به بحث "توزیع عادلانه" بیش از "شیوه تولید عادلانه" در آثارشان مشهود است.



۳- دیدگاه رادیکالیسم: کارل مارکس و انگلس و بسیاری از هم‌اندیشان آنها متعلق به این نحله فکری‌اند. پیروان مکتب رادیکال عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به بحث عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. دیوید هاروی در کتاب خود "عدالت اجتماعی و شهر" مفهوم عدالت اجتماعی را به کمک معیارهایی مورد بررسی قرار داده است و بر تخصیص عادلانه منابع تأکید دارد. او معتقد است که منابع اضافی باید در جهت از میان برداشتن مشکلات ویژه ناشی از محیط‌های اجتماعی و طبیعی مصرف شود (۹).

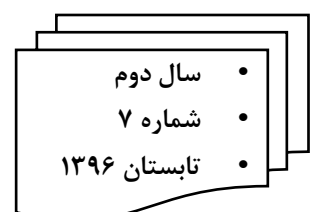
۴- دیدگاه اسلام: از دیدگاه اسلام، کاهش فقر و توزیع مناسب و عادلانه درآمد یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است. فقیر به کسی گفته می‌شود که وضعیت زندگی اش با زندگی متعارف و متداول جامعه فاصله داشته باشد؛ یعنی کسی که حد کفایت نه کفاف، برایش فراهم نیست (۱۰).

اسلام مکتب عدل و اعتدال است. در اسلام در راستای تحقق عدالت اجتماعی می‌بایست تمامی پست‌های حساس برعهده افراد عادل گذاره شود. به طوری کلی اسلام اهمیت خاصی به عدالت داده است و می‌بایست این مسأله در تمامی ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محقق شود.

۲,۴. اصول عدالت اجتماعی

دیوید هاروی ۱۰ اصل عمده عدالت اجتماعی را به شرح زیر می‌داند:

- ۱- روابط تولیدی عادلانه در یک نظام اقتصادی - اجتماعی منصف امکان‌پذیر است.
- ۲- توزیع عادلانه درآمد، کالا، خدمات و منابع میان شهروندان و در سطح فضاهای گوناگون عملی عادلانه است.
- ۳- برابری ذاتی: تمامی افراد حق دارند از منافع جامعه، قطع نظر از میزان مشارکتشان در تولید، سهم برابری بخواهند.
- ۴- ارزشیابی خدمات بر حسب عرضه و تقاضا: افرادی که بر منابع کمیاب و ضروری تسلط دارند، بیش از سایرین حق ادعا دارند، به شرط آنکه توانمندی آنها در شرایط عادلانه‌ای به وجود آمده باشد.
- ۵- نیاز: البته نیاز، مفهومی نسبی است. احتیاجات و نیازهای انسانی به موازات تحول جامعه و افزایش شعور و فرهنگ تحول می‌یابد. با وجود این "نیازهای اولیه" عبارتند از: اشتغال، درآمد، خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، خدمات آموزشی، خدمات اجتماعی، خدمات مربوط به محیط زیست، کالاهای مصرفی، امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت، دلپذیری محله، وسایل حمل و نقل. برای رفع این نیازها بایستی "فرصت‌های برابر" برای همه شهروندان مهیا باشد.



۶- حقوق موروثی: افراد نسبت به حقوق مالکیت و یا سایر حقوقی که از طریق نسل پیشین به آنها رسیده است، حق ادعا دارند.

۷- استحقاق: صاحبان مشاغل خطرناک و مشکل (تخصصی) بیش از سایر افراد حق ادعا دارند.

۸- شرکت در منفعت عمومی: آن دسته از افرادی که فعالیتشان به نفع عده بیشتری است، بیشتر از آن عده که فعالیتشان به عده کمتری اختصاص دارد، حق ادعا دارند.

۹- شرکت واقعی در تولید: افرادی که در روند تولید بازده بیشتری دارند، از آن عده که بازده کمتری دارند، حق ادعای بیشتری خواهند داشت.

۱۰- کوشش و فداکاری: افرادی که کوشش بیشتری می کنند یا ذاتاً قادر به تحمل فداکاری بیشتری هستند، باید از افرادی که کوشش کمتری می کنند، پاداش بگیرند.

دیوید هاروی از میان معیارهای عدالت سه معیار نیاز، استحقاق و منفعت عمومی را به عنوان مهم ترین معیارها برگزیده است. به نظر می رسد اصل "اولویت" که برگرفته از آموزه های دین مبین اسلام است، می تواند مکمل سه اصل فوق باشد. بر اساس این اصل در آمایش سرزمین، ساماندهی سکونتگاه های شهری و روستایی و تأمین عدالت فضایی باید به مناطق محروم اولویت داده شود (۷).

۲,۵. عدالت اجتماعی محور اصلی مکتب سیاسی امام خمینی (ره)

عدالت اجتماعی یکی از مهمترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه برنامه های حکومت، در قانونگذاری، در اجرا، در قضا، باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی، مورد نظر و هدف باشد. این که ما بگوییم کشور را ثروتمند می کنیم، یعنی تولید ناخالص ملی را بالا می بریم اما ثروتها در گوشه ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری هم از مردم دستشان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی سازد. پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت ترین مسئولیت ماست. همه برنامه ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهمترین شاخصهای حرکت خود به حساب آورند (۱۱).

۲,۶. اجرای عدالت؛ یک نیاز اجتماعی

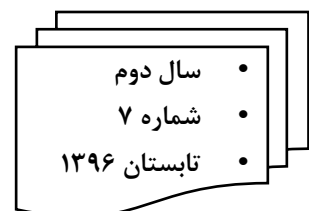
آنچه مسلم و شفاف است این است که شناخت خداوند به عنوان امر کننده به عدل و بپادارنده عدل، اساسی ترین معرفتی است که در ادیان الهی، رابطه بشر با خدا بر آن استوار شده است. بر این مبنا، شهید مطهری با استناد به آیات قرآن، چنین نتیجه می گیرد که عدل به مفهوم اجتماعی آن، هدف نبوت و به مفهوم فلسفی آن مبنای معاد است. در بینش اسلامی عدل صرفاً نمی تواند در قالب یک مفهوم انتزاعی محض باقی بماند و همیشه به عنوان یک آرمان دست نیافتنی مورد غبطه و حسرت انسان ها قرار بگیرد. از این رو می بینیم که در منطق شهید مطهری برقراری عدل و برپایی قسط در جامعه یکی از ضروریات و نیازهای اولیه است. برای حفظ و بقای جامعه ایشان با طرح این سوال که اسلام مگر نمی خواهد جامعه اسلامی باقی بماند؟ در جواب به این سوال می گوید:

البته واضح است که می خواهد، حالا که می خواهد باقی بماند مگر ممکن است که جامعه ای بدون اینکه بر محور عدالت بچرخد و حقوق مردم در آن جامعه محفوظ باشد باقی بماند، مگر پیغمبر بزرگوار ما خودش نفرمود: «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»؟! (۱۲).

۳- اقتصاد مقاومتی

۳,۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی که از جمله سیاستهای ابلاغی توسط مقام معظم رهبری برای مقاوم سازی اقتصاد داخلی کشور در برابر تهدیدها و تهاجمات بین المللی به شمار میرود، باید به روشهای مختلفی از قبیل، کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، افزایش اشتغال، حمایت از تولیدات داخلی و ارتقای بهره وری محقق شود. به طور کلی منظور از اقتصاد مقاومتی رسیدن به شرایط اقتصادی است که روندرو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و آسیب پذیری آن کاهش پیدا کند. به عبارت دیگر در این شرایط وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی به گونه ای است که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود کمتر آسیب میبیند و کمتر دچار اختلال میشود. اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در برابر انواع مختلف فشار، شوک، تهدید و ... که بر اقتصاد کشور وارد می شود؛ توانایی مقابله دارد. چنین اقتصادی علاوه بر تعامل پویا و سازنده با دنیای خارج، می بایست از تمامی ظرفیت ها و توانمندی های داخل کشور بهره بگیرد.



۳,۲. اهداف اقتصادی دولت اسلامی

از مطالعه آیات و روایات و دیگر منابع دینی می‌توان توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و رسیدن به قدرت اقتصادی را اهداف اقتصادی دولت اسلامی دانست.

۳,۲,۱. توسعه رفاه

خداوند، همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند، و نهرها را مسخر شما ساخت، و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند، به تسخیر شما درآورد، و شب و روز را مسخر شما کرد و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد (ابراهیم، آیات ۳۲-۳۴). مطابق این آیه، خداوند نعمت‌های فراوان و مناسب نیاز انسان‌ها را آفرید و آن‌ها را مسخر انسان کرد تا بتواند زندگی مناسب شأن و کرامت خود به پا دارد. بر این اساس، یکی از اهداف دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا روی زمین، تحقق بخشیدن غایات الهی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی و قرآنی است.

۳,۲,۲. توسعه معنویات

دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا روی زمین نمی‌تواند در برابر تحولات اخلاقی جامعه و میزان تقید آن به انجام معروف‌ها و دوری از منکرات بی‌تفاوت باشد؛ بلکه بر عهده دولت اسلامی است که از سلامت روحی مردم مراقبت کرده، به فکر توسعه معنویات باشد و از آن جا که بخشی از تعالی معنوی انسان‌ها در سایه رفتارهای خاص اقتصادی است، دین اسلام به انحای گوناگون می‌کوشد رفتارهای مادی افراد را رنگ معنوی دهد.

۳,۲,۳. برپاداشتن عدالت

رفتار انسان‌ها به ویژه در مسائل معیشتی و مادی تحت تأثیر شدید صفات فردگرایی و زیاده‌خواهی‌های افراطی است و این سبب می‌شود هر کسی که قدرت و امکانات بیش‌تری دارد، بر دیگران سلطه مستمر داشته باشد. سلطه سیاسی و اقتصادی گروهی اقلیت و به استثمار و استعمار کشیده شدن اکثریتی انبوه در طول تاریخ بشر در همه مکان‌ها، شاهد گویای این مدعا است. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، یکی از اهداف دولت اسلامی جلوگیری از ستم اجتماعی و برپاداشتن عدالت، به ویژه در ابعاد معیشتی و اقتصادی است.

۳,۲,۴. قدرت اقتصادی جامعه اسلامی

بر خلاف تصور برخی که تحت تأثیر مکاتب انحرافی، جامعه دینی را به ترک دنیا و مواهب الهی متهم می‌کنند، خداوند متعالی امنیت و توانایی اقتصادی را از شاخصه‌های بارز جامعه ایمانی و در مقابل، فقر و ناامنی را نتیجه عصیان و کفران می‌داند. در دیگر مکاتب اقتصادی هدف نظام اقتصادی، گسترش رفاه مادی و توسعه اقتصادی است. اگر دولت در اقتصاد حضور می‌یابد به جهت تحقق رفاه مادی، و رفع کمبودهای نظام بازار برای تحقق رفاه عمومی است. رفاه مادی با امنیت و رشد تحقق می‌یابد؛

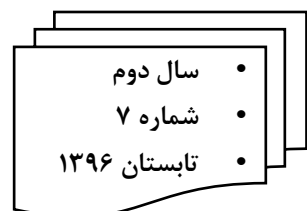
بنابراین باید تمام برنامه‌ریزی‌ها، سازماندهی‌ها، سیاستگذاری‌ها و فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی در جهت تحقق سعادت معنوی قرار گیرد و دولت نیز در همین مجموعه معنا می‌یابد. اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود. در دیگر مکاتب، تحقق رشد معنوی اصل نیست و تاکید اصلی بر تحقق رفاه مادی و توسعه است.

۴. اقتصاد مقاومتی و عدالت اجتماعی

اگر اقتصاد ما به نظام‌ها و نیروهای بیرونی وابسته باشد، موازین ما هم تحت خواست‌های دیگران قرار می‌گیرد و چون نظام سلطه بر بی عدالتی استوار است، نظام ما هم از آن اهرم‌ها تأثیر گرفته و در مسیر بی عدالتی پیش می‌رود. اما اگر بر نیروهای خودی تکیه کنیم و نظام اقتصادی را بر اساس آموزه‌های دینی شکل دهیم، عدالت اجتماعی به بهترین شکل محقق می‌شود. چنانکه به تصریح قرآن از رسالت‌های مهم انبیا، «راهبری مردم برای اقامه قسط و عدالت» است. به عبارت بهتر، اجرای عدالت رسالت همه انبیا بوده و اگر اقتصاد مقاومتی با اتکا بر فرهنگ و آموزه‌های دینی محقق شود، عدالت هم به شکل مطلوب در جامعه پیاده می‌شود.

بنابراین اگر به این فرهنگ غنی باور داشته باشیم و راه حل معضلات و مشکلات را نهادینه سازی فرهنگ اسلامی بدانیم، باید در حوزه اقتصاد هم فرهنگ دینی را حاکم کنیم و با تحقق اقتصاد مقاومتی، عدالت به شکل مطلوب آن اجرا می‌شود.

در فرهنگ دینی و آیات قرآن و روایت معصومان (علیهم السلام) بر لزوم خودکفایی جامعه اسلامی در بالاترین حد تأکید شده است، بنابراین چنین نگاهی به مسأله اقتصاد و معیشت می‌طلبد که اقتصاد مستقر در نظام اسلامی در برابر تهدیدهای خارجی مقاوم یعنی متکی به درون باشد تا اگر دشمنان اسلام بخواهند آسیب و بحرانی بیافرینند، سیستم اقتصادی مقاوم باشد و برابر بحران‌ها مقاومت کند؛ نه اینکه جامعه را متوقف کرده یا رو به افول ببرد. تشبیهی که در آیه آخر سوره مبارکه فتح از جامعه اسلامی به نقل از آنچه در کتب آسمانی پیش آمده می‌شود، این است که انبیای الهی جامعه اسلامی را همچون نهالی می‌دانند که رشد می‌کند و روی پای خود می‌ایستد و به اندازه ای شکوفا می‌شود که پایه گذاران آن نظام و امت از آن همه رشد و بالندگی دچار شگفتی و دشمنان نظام اسلامی دچار خشم و کینه می‌شوند؛ بنابراین باید اقتصاد نظام اسلامی به اندازه ای خودکفا باشد که نه تنها دشمنان به آن آسیب نزنند، بلکه از این رشد به خشم بیایند! طبیعی است اگر این اقتصاد مقاوم نباشد و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی را نداشته باشد، نه تنها چنین رشدی را ندارد، بلکه آسیب هم می‌بیند. از این رو، اقتصاد قوی و مستقل در قرآن و روایات مورد توصیه قرار گرفته و رمز و راز آن، «تکا به درون» دانسته شده است؛ همان طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: به مسؤولان گفته ام که باید به گونه ای برنامه ریزی اقتصادی کنید که اگر روزی شیرهای نفت بسته شد، اتفاقی رخ ندهد. البته این مهم، هم عزم جدی دولتمردان را می‌طلبد و هم نگرش صحیح آن‌ها به درون را و نیز اعتماد ظرفیت‌ها و نیروهای درونی را؛ از این رو درک صحیح آنان از توانمندی‌هایی که کشور به لحاظ منابع و نیروی انسانی دخیل در اقتصاد دارد، نقش مهمی در تحقق آن دارد و اگر چنین شناخت و نگرشی رخ دهد، آن‌گاه عزم جدی بر تحقق اقتصاد



مقاومتی شکل می‌گیرد و آنچه رهبری انقلاب بر آن تأکید دارند عملی می‌شود و گرنه در حد شعار و حرف باقی می‌مانیم. جامعه اسلامی باید همواره به سوی تعالی و پیشرفت گام بردارد و در نقطه اوج باشد؛ بنابراین از محورهای جدی و مهم در رسیدن به این هدف، اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد هم اثرگذار و هم اثرپذیر از فرهنگ است. بنابراین، عناوینی که رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر برای سال‌ها برگزیده‌اند، هر یک حلقه‌ای از یک زنجیر است که اگر به صورت نظام‌مند تحقق یابند، به شکوفایی مادی و معنوی جامعه اسلامی می‌انجامد؛ اقتصاد مقاومتی هم یکی از این حلقه‌هاست. از نظر فرهنگ اقتصادی جامعه می‌بایست به این باور برسد که تولید و عدالت اقتصادی یک ماموریت و وظیفه الهی است (هود، آیه ۶۱) و به عنوان یک ارزش آن را در رفتارهای اجتماعی خود به کار گیرد و به عناوین چون زهد، تنبلی نوزد و از تولید و فعالیت‌های مولد اقتصادی باز نماند. مهندسی فرهنگ اقتصاد مقاومتی می‌بایست در فرهنگ عمومی جامعه چنان حساسیت ایجاد کند که همه مردم نیاز به اقتصاد مقاومتی را درک و باور کنند و برای تحقق آن بکوشند. هم‌چنین در فرهنگ تخصصی، فعالان عرصه اقتصاد را به فعالیت در این چارچوب هدایت و مدیریت نماید.

اقتصاد مقاومتی، عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه داری مثل رشد ملی، تولید ناخالص ملی، اکتفا نمی‌کند. بنابراین شاخص عدالت، عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه، یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ بلکه، به آن شاخصها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است (۱۵).

رهبری بیان می‌دارند که با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و پیشرفت اقتصادی حاصل می‌شود. عدالت زمانی حاصل می‌شود که منابع و فرصت‌ها منصفانه توزیع شود. این مسأله می‌بایست در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاصل شود. بی‌شک مهمترین عامل تحقق عدالت اجتماعی در حوزه مسائل اقتصادی است. اهمیت این موضوع تاجایی است که مقام معظم رهبری در تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کلیدی‌ترین شاخص را عدالت اجتماعی مطرح می‌کنند و بیان می‌کنند که رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر در جامعه اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نیست و باید در هرگونه پیشرفتی وضعیت طبقات ضعیف جامعه مورد توجه قرار گیرد.

اقتصاد مقاومتی متکی بر مردم است. لذا در این نوع اقتصاد دولت تقویت نمی‌شود؛ بلکه به دنبال تقویت اقتصادی است که با محور قرار دادن مردم عدالت اجتماعی را در جامعه محقق و تقویت می‌کند.

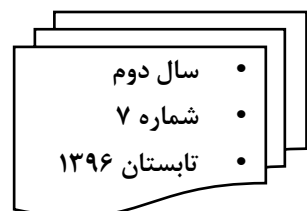
عدالت یک موضوع مهم در اقتصاد اسلامی است. اقتصاد مقاومتی برخاسته از اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصاد کشور نتواند عدالت را در جامعه برقرار کند و به طبقه ضعیف توجه نشود و رفاه اجتماعی مورد توجه قرار نگیرد؛ اقتصاد مقاومتی در جامعه اجرا نمی شود.

عدالت اجتماعی فقط این نیست که امور مربوط به فقرا و اقشار آسیب پذیر جامعه مرتفع شود. این تنها یک مورد از موارد عدالت اجتماعی است. برای اینکه عدالت اجتماعی در جامعه به صورت کامل محقق شود نیازمند اقداماتی است که در ابتدا دولت ها متولی آن بوده و سپس این وظایف به دست مردم خواهد افتاد.

عدالت اجتماعی یکی از معیارهای مهم اقتصاد مقاومتی است. اما این بدین معنا نیست نسبت به شاخص های علمی و عقلانی روز بی اعتنا بود، بلکه توجه به این شاخص ها باید با محوریت عدالت باشد. به عبارت دیگر پیشرفت در علم، فناوری، صنعت باید با محوریت عدالت باشد. اگر پیشرفت در این امور به بیشتر شدن فاصله طبقاتی بیانجامد، این پیشرفت ظاهری و سطحی و به تعبیر رهبری بادکنی است. اگر اقتصاد مقاومتی براساس مؤلفه ها و سیاست هایی که رهبری مطرح کرده اند، اجرا شود، بی شک عدالت اجتماعی در جامعه محقق خواهد شد.

۵. نتیجه گیری

در شرایطی که جمهوری اسلامی با تحریم های گسترده ای از سوی دول مختلف برخوردار است؛ نظام اقتصادی کشور نیازمند یک نظام اقتصادی مناسب برای مقابله با این تحریم ها و مشکلات دارد. اقتصاد مقاومتی راهکار ارائه شده از سوی رهبری است؛ چرا که این نوع اقتصاد با محوریت مردم و اتکا بر توان و ظرفیت های داخلی خواهد توانست مشکلات را یکی پس از دیگری حل کند. اقتصاد مقاومتی از شاخص های گسترده ای برخوردار است. یکی از کلیدی ترین شاخص های اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی است. به عبارت دیگر با اجرای اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی در جامعه محقق می شود. اقتصاد مقاومتی متفاوت از ریاضت اقتصادی است. این نوع اقتصاد برگرفته از متون و معارف اسلامی با محوریت عدالت می باشد. لذا با اجرای اقتصاد مقاومتی عدالت اجتماعی در جامعه محقق می شود. تحقق کامل عدالت اجتماعی در جامعه رافع مشکلات کشور خواهد بود. اگر اقتصاد نتواند عدالت را در جامعه محقق کند، اقتصاد مقاومتی شکل نمی گیرد. از نظر رهبری رونق اقتصادی بدون تأمین عدالت اجتماعی قابل قبول نیست. چه بسیار کشورهایی که از نظر شاخص های اقتصادی وضعیت مطلوبی دارند و رشد اقتصادی شان بالا است؛ اما تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در این کشورها محسوس است. این وضعیت در منطق اسلام نیز مطلوب نیست. لذا با اجرای اقتصاد مقاومتی می بایست طبقات محروم جامعه هم از پیشرفت اقتصادی بهره مند شود.



بی شک با بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند مقام معظم رهبری می توان زمینه پیشرفت کشور در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و تحقق عدالت اجتماعی را فراهم نمود. در اقتصاد مقاومتی با بکارگیری سیستم مالیات و یارانه دهی به اقشار کم درآمد و برخی صنایع می توان فاصله را کم کرد.

با بکارگیری اقتصاد مقاومتی تولید داخلی تقویت، اشتغال زایی، تامین رفاه و عدالت اجتماعی، چرخه اقتصادی بهتر و روابط اقتصادی بیشتری ایجاد می شود. نکته مهم شایان ذکر این که تحقق عدالت اجتماعی مستلزم شایسته سالاری در تمامی سطوح اجرائی، تقنینی و قضائی، ترویج معنویت و جلوگیری از زمینه های گناه در جامعه و نیز تأسیس نظام تعاون و تأمین رفاه اجتماعی، ایجاد تحول در نظام وقف، گسترش فرهنگ وقف و بهره برداری بهینه از آن، همچنین عملیاتی ساختن نظام مالیاتی اسلام و دریافت قانونمند مالیات های ثابت، راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است.



منابع

- قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.
- *نهج البلاغه*. (۱۳۸۷). ترجمه محمد دشتی. قم: بوستان کتاب.
- *ویکی پدیا*.
- آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ص ۳۱۷.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۵). *اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: گیتاشناسی، ص ۱۴۳.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۵). *اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: گیتاشناسی، ص ۱۴۳.
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*. ترجمه فرخ حسامیان و همکاران. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
- محمودی، سیدعلی. (۱۳۷۶). *عدالت و آزادی*. مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۰۵-۱۳۰.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۵). *اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: گیتاشناسی، ص ۱۴۳.
- عظیمی، امیر (۱۳۹۳)، «آیا رسیدن به رشد اقتصادی در چارچوب عدالت امکان پذیر است؟»، گروه اقتصادی برهان.
- بیانات رهبری در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۳.
- اصغری، محمود (۱۳۹۰)، «مسأله عدالت در آراء جان رالز و شهید مطهری»، مجموعه مقالات نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت.
- *بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام*، ۹۲/۱/۱.
- *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت*، ۹۱/۶/۲.
- *بیانات رهبری در حرم رضوی*، ۱/۱/۱۳۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

